



Feasibility of Codifying the Maxim “أفضل الأعمال أحزمها” (the Most Virtuous Deeds are the Most Difficult) in Imāmiyya Fiqh

Morteza Rahimi¹ | Faramarz Fakhre Ma’ani²

1. Associate Professor, Department of Jurisprudence & Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: mr Rahimi@shirazu.ac.ir
2. Corresponding Author, PhD Student in Jurisprudence & Principles of Islamic Law, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: faramarz.fakhremaani@hafez.shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 August 2025

Revised: 11 October 2025

Accepted: 16 November 2025

Available online 20 November 2025

Keywords:

most strenuous (the quality of being more difficult), the superiority of one act, hardship, harm, maxim.



ABSTRACT

The hadith “(the most virtuous deeds are the most difficult)” (Arabic: أفضل الأعمال أحزمها) is transmitted mursal (a hadith one or more transmitters of which are left out or omitted) in Imāmiyya sources; it has practical fame and has been cited in chapters pertaining to devotional acts. The aim of the present study seeks to answer two questions. First, can the aforementioned hadith be regarded as a jurisprudential maxim? Second, what is its relation to the two principles of negation of hardship (naḥī al-haraj) and negation of harm (naḥī al-ḍarar)? Despite the mentioned hadith adduced it has not yet been examined as an independent legal maxim, and the originality of this research lies in its attempt to normativize it. Through a library-based research and utilizing a descriptive-analytical ijtihādī method, the findings indicate that the practical fame of the hadith compensates its weakness in its chain of transmission, and like jurisprudential (legal) maxim in various devotional chapters to prove the recommended status of arduous acts of worship followed the divine reward for preparatory acts that precede obligatory by themselves. The maxim may, also, be employed to support the desirability of acts performed under hardship because the principle of negation of hardship is a grace giving by God: the lawgiver has only relieved the servants from the obligation of performing hardship acts of worship but does not negate their validity. But the maxim cannot be invoked to prove the validity or desirability of devotional acts following harm, since negative harm that prohibited by the lawgiver cannot be a means of drawing one nearer to God.

Cite this article: Rahimi, M. Fakhre Ma’ani, F. (2024). Feasibility of Codifying the Maxim “أفضل الأعمال أحزمها” (the Most Virtuous Deeds are the Most Difficult) in Imāmiyya Fiqh. *Jurisprudence of worship Doctrines*, 5(9), 125-155. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7316.1229>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

امکان سنجی قاعده‌انگاری «أفضل الأعمال أحزمها» در فقه امامیه

مرتضی رحیمی^۱ | فرامرز فخرمعانی^۲

۱. دانشیار، بخش فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: mrahimi@shirazu.ac.ir
 ۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: faramarz.fakhremaani@hafez.shirazu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ کلیدواژه‌ها: احمزیت، افضلیت، حرج، ضرر، قاعده. 	حدیث «أفضل الأعمال أحزمها» به گونه مرسل در مصادر امامیه وارد شده است، شهرت عملی دارد و در ابوابی از عبادات به کار برده شده است. هدف پژوهش آن است تا به دو پرسش پیش‌رو پاسخ داده شود. نخست این که حدیث یادشده را می‌توان قاعده‌ای فقهی دانست؟ همچنین، نسبت آن با دو قاعده نفی حرج و نفی ضرر چیست؟ علی‌رغم استنادات صورت گرفته به حدیث مزبور، تاکنون به عنوان قاعده مستقل فقهی مورد بررسی قرار نگرفته است و نوآوری پژوهش پیش‌رو در قاعده‌انگاری آشکار می‌شود. با مراجعه کتابخانه‌ای به منابع معتبر اسلامی و بهره‌گیری از شیوه توصیفی. تحلیلی از گونه اجتهادی، یافته‌ها حاکی از آن است که شهرت عملی حدیث جابر ضعف آن است و همانند قاعده‌ای فقهی در ابواب گوناگون عبادات، مستند اثبات استحباب عبادات دشوار و ترتب ثواب بر مقدمات واجبات نفسی قرار گرفته است. همچنین، مطلوبیت عبادات حرجی از قاعده «أفضل الأعمال أحزمها» قابل استفاده است؛ زیرا، قاعده نفی حرج امتنانی بوده و شارع تنها وجوب عبادات حرجی را از دوش بندگان برداشته است؛ اما صحت آن برداشته نشده است. لیکن برای اثبات صحت یا مطلوبیت عبادات ضرری، این قاعده قابل استناد نیست؛ زیرا، ضرر منفی و منهی شارع نمی‌تواند مقرب باشد.

استناد: رحیمی، مرتضی؛ فخرمعانی، فرامرز. (۱۴۰۳). امکان سنجی قاعده‌انگاری «أفضل الأعمال أحزمها» در فقه امامیه. آموزه‌های فقه عبادی، ۵(۹)، ۱۲۵-۱۵۵. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7316.1229>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

به طور کلی پایه ریزی تکالیف واجب شرعی از جمله مواردی است که مصلحت انسان در تحمّل دشواری های تکالیف است (مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۸۷). دشواری امری ذاتی در واجبات عبادی است و این گونه دشواری ها در عباداتی همچون جهاد، حج، روزه، امر به معروف و نهی از منکر بسیار نمودار است (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۹۰). گذشته از این که واجبات به صورت عام بر سختی ها پایه ریزی شده است، حدیث نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمزها» مرسله ای است که در منابع روایی نقل شده است و در برداشت های فقهی به گونه ای ویژه برای اثبات استحسان و استحباب تحمّل دشواری های عبادات مورد استناد قرار گرفته است. البته گذشته از این که اندازه دشواری عبادات با یکدیگر متفاوت است، اندازه دشواری هر عبادت نیز با گوناگونی چهار متغیّر احوال، اشخاص، ازمنه و امکانه گوناگون می شود.

رویه تشریع احکام اسلامی، بر پایه آسان گیری شارع بر بندگان می باشد که آیات و روایات بسیاری بر این دلالت دارند؛ امّا، گاه به جهت وجود مصالح نفّس الامری، شارع گونه ای دشواری و سختی را در جعل احکام برگزیده است و نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمزها» از مواردی می باشد که در راستای این راهبرد ابلاغ شده است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۸). باید توجّه داشت این راهبرد با حکمت الهی سازگار بوده است و در حقیقت برای تقویت روح و جسم انسان ها می باشد. از دیگر فلسفه های جعل تکالیف و حسن دشواری را در نگاهی عرفانی به آن، پاکسازی دل، خودسازی و مجاهدت با نفس سرکش دانسته اند (آملی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۷۴؛ عاملی، بی تا، ص ۲۸؛ کاشانی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۱ و ۲۶۲). تحمّل سختی ها و دشواری ها گامی برای پیمودن راه بندگی دانسته شده است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۱۹۶).

اثبات حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» به مثابه یک قاعده فقهی می تواند در مسائل گوناگونی از فقه عبادی، نقش چشمگیری داشته باشد و حکم شرعی استحباب را برای اعمال دشوار اثبات نماید. فقیهان امامیه در ابواب گوناگون عبادات برای

اثبات استحباب به آن استناد نموده‌اند؛ برای نمونه، در باب طهارت برای استحباب وضو و غسل در زمستان یا سرما (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۶؛ بهاء‌الدین عاملی، بی‌تا، ص ۴۵ و ۱۳۹۰، ص ۲۶۰؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۰ و ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ج ۷۹، ص ۲۲۸ و ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۱۰۵)، در باب حج برای استحباب حج پیاده (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۲۰؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۹؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۵)، در باب صیام برای استحباب روزه در برخی مکان‌ها به دلیل سختی (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۵۰)، در باب نذر برای استحباب ندور دارای دشواری در انجام (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۷)، به حدیث یادشده استناد نموده‌اند.

پرسش اصلی پژوهش آن است که «آیا حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» را می‌توان به مثابه قاعده‌ای فقهی دانست که در همه ابواب عبادات جاری باشد؟» فرض پژوهش پیش‌رو این است که اولاً حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» تنها در باب عبادات به کار برده شده است. ثانیاً کلی بودن، تعارض با ادله احکام و امضای شارع سه ویژگی قواعد فقهی است. ثالثاً قاعده نفی حرج، برخلاف قاعده نفی ضرر، تنها حکم تکلیفی وجوب را برداشته است؛ اما، حکم وضعی صحت را برنداشته است.

غرض پژوهش پیش‌رو آن است که اثبات نماید حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» در جایگاه قاعده‌ای فقهی می‌تواند در ابواب گوناگون عبادات، مستند اثبات استحباب عبادات دشوار و ترتب ثواب بر مقدمات واجبات نفسی قرار بگیرد. همچنین، مطلوبیت عبادات حرجی به وسیله آن ثابت گردد.

با مراجعه کتابخانه‌ای به منابع معتبر اسلامی و با بهره‌گیری از شیوه توصیفی-تحلیلی، مقاله در پنج عنوان اصلی تنظیم شده است. عنوان نخست به مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی واژگان موجود در حدیث، قاعده و اقسام آن و عنوان دوم به واکاوی سندی و دلالتی حدیث و در عنوان سوم امکان‌سنجی قاعده‌انگاری صورت پذیرفته است و ویژگی‌های قواعد فقهی بر حدیث منطبق شده است و از دلیل‌های چهارگانه کتاب، سنت، اجماع و عقل برای اثبات آن بهره

گرفته شده است. عنوان چهارم به بیان مستثنیات قاعده پرداخته است و در عنوان پنجم جایگاه قاعده در برداشت های فقهی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته های نگارندگان حاکی از کارایی حدیث نبوی مشهور یادشده در زمینه اثبات احکام وضعی و تکلیفی است. این گونه که صحت عبادات حَرَجی و استحباب امتثال از آن برداشت می شود. افزون بر این می توان حدیث را به مانند یک قاعده کلی فقهی دانست که در ابواب گوناگون عبادات کارگشا باشد. البته حدیث در جایگاه بیان حکم وجوب نیست و از آن تنها استحباب مستفاد است.

پیشینه پژوهش: درباره زمینه های قبلی تحقیق باید گفت، مقالاتی مرتبط با حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» وجود دارند که هیچ کدام با موضوع پژوهش پیش رو هم پوشانی ندارند؛ زیرا، هیچ یک از آن ها به قاعده انگاری حدیث یادشده و ارتباط آن با قواعد فقهی نفی حرج و نفی ضرر و... اشاره نکرده اند؛ حال آن که غرض نگارندگان مقاله پیش رو آن است تا افزون بر تبیین این گزاره به عنوان یک قاعده فقهی مستقل در فقه امامیه که پیش تر به عنوان حدیثی مرسل در مصادر فقهی امامیه مورد استناد قرار گرفته است و کم تر حیثیت قاعده بودن آن مورد توجه قرار گرفته است، به ارتباط سنجی میان آن و دو قاعده فقهی نفی حرج و نفی ضرر نیز پرداخته شود. از جمله مقالات مرتبط:

۱. مقاله «اعتبارسنجی و نقد کارکردهای أفضل الأعمال در منابع فریقین» از میثم کهن ترابی؛ نویسنده در مقاله به کارکردهای حدیث مزبور در منابع فقهی و کلامی فریقین و نقدهای وارد بر آن اشاره کرده است و از حیث سندی و دلالی حدیث را واکاوی مفصّلی نموده است، به نقد کارکردهای فقهی آن پرداخته است؛ امّا، عموم دلالت آن بر استحباب عبادات را نپذیرفته است (کهن ترابی، ۱۴۰۳).

۲. مقاله همایشی «معیار حقیقی شناخت أفضل اعمال از منظر روایات» از علی محمد میرجلیلی و فاطمه محمدآبادی. نویسندگان در این مقاله ضمن اشاره مختصر به حدیث مزبور بیان داشته اند که بهترین تفسیر افضل اعمال، داشتن نیت خالص در اعمال است (میرجلیلی؛ محمدآبادی، ۱۳۹۶).

۳. مقاله «روایات تفضیل در اصول الکافی هم ساز یا ناسازگار» از حسن نقی زاده و

فاطمه کرمی. نویسندگان در مقاله روایات نقل شده پیرامون مبحث «تفضیل» در اصول کافی را بررسی کرده‌اند و اشاره نموده‌اند که این روایات با هم ناسازگار نیستند (نقی زاده؛ کرمی، ۱۳۹۱).

۴. مقاله «پژوهشی در صحت انجام فعل حرجی» غرض نگارندگان اثبات صحت فعل حرجی و بطلان فعل ضرری است و به روشن‌گری «أفضل الأعمال أحمزها» به مثابه قاعده فقهی مستقل نپرداخته‌اند (بهمن‌پوری؛ صابری، ۱۳۹۱).

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی قواعد

واژه «قواعد» جمع مکتسر واژه «قاعده»، در لغت به معنای پایه، ریشه و قواعد بنا آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲۶؛ واسطی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۱). اصل معنای لغوی آن به ثبوت و استقرار در یک مکان باز می‌گردد (ابن‌فارس، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۸).

در اصطلاح، قاعده فقهی حکم کلی فرعی است که در ابواب مختلف فقه بر موارد جزئی منطبق می‌شود؛ مانند قاعده صحت که هر جا در صحت عمل فردی شک شود، حکم به صحت عمل می‌شود (ایروانی، باقر، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۳؛ شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳؛ عبداللّهی، ۱۳۸۸، ص ۱۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۳؛ موسوی، ۱۳۹۲، ص ۶).

۲-۱. اقسام قواعد فقهی

از نگاه امامیه در دسته‌بندی قواعد فقهی نمی‌توان به تقسیم واحدی دست یافت؛ زیرا هر کس قواعد فقهی را از جهتی تقسیم کرده است (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴ و ۵). دسته‌بندی زیر قواعد را از رهگذر کاربرد تقسیم نموده است.

۱. قواعدی که به باب ویژه‌ای از ابواب فقه اختصاص ندارند؛ بلکه در همه ابواب فقهی قابلیت جریان دارند؛ مانند قواعد نفی ضرر، نفی حرج، قرعه و صحت (ایروانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷؛ قابل، ۱۳۹۰، ص ۴۹ و ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶ و ۲۷).

۲. قواعدی که تنها به ابواب معاملات به معنای اخص آن اختصاص دارند و در غیر از این ابواب جاری نمی‌شوند؛ مانند قاعده تلف در زمان خیار، قاعده ما یضمن

و ما لایضمن و قاعده عدم ضمان امین (ایروانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷؛ قابل، ۱۳۹۰، ص ۴۹ و ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶ و ۲۷).

۳. قواعدی که تنها به ابواب عبادات اختصاص دارند؛ مانند قواعد لا تعاد، تجاوز و فراغ (ایروانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷؛ قابل، ۱۳۹۰، ص ۴۹ و ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶ و ۲۷).

۴. قواعدی که برای کشف موضوعات خارجی موجود در ادله احکام ایجاد شده اند؛ مانند قواعد حجیت بینة، حجیت قول ذی الید و کفایت یا عدم کفایت قول یک عادل در موضوعات. این قواعد همانند اماراتی هستند که در باب احکام به آنها استناد می شود. تفاوت این قواعد و امارات در آن است که امارات برای کشف احکام کلی ایجاد شده اند؛ اما قواعد فقهی برای کشف موضوعات احکام قرار داده شده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶).

از دسته بندی دیگری قواعد فقهی به دو دسته منصوصه و استنباطیه تقسیم می شوند (عبداللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۷۷). قواعد منصوصه قواعدی هستند که به طور کامل از نصوص شرعی گرفته شده اند؛ مانند قواعد نفی ضرر، ید و تسلیط که به نام «قواعد منصوصه» یا «مصرّحه» خوانده می شوند.

قواعد استنباطیه، قواعدی هستند که هرچند در متون شرعی منصوص نیستند؛ اما به نصوص شرعی یا دیگر ادله فقهی مستند می باشند؛ مانند قاعده «ما یضمن بصحیحّه، یضمن بفاسدّه» که فقیهان با ملاحظه موارد متعدد و اتخاذ وحدت ملاک آن را استخراج کرده اند. برای نمونه، فقیهان پس از بررسی احکام و مصادیق بیع و دیگر معاملات ملاحظه نموده اند، همان گونه که در بیع صحیح ضمان وجود دارد، بیع فاسد نیز ضمان آور است. تفاوت قواعد استنباطیه با قواعد مصرّحه در قابلیت یا عدم قابلیت توسّل به اطلاق آن است؛ زیرا در قواعد مصرّحه می توان به اطلاق نصّ قاعده توسّل نمود؛ اما در قواعد استنباطیه چنین اطلاقی وجود ندارد و بایستی در تطبیق آن، به قدر متیقّن مواردی بسنده نمود که همه فقیهان بر آن اتفاق نظر دارند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۷۷).

۳-۱. معنای لغوی و اصطلاحی «أفضل» در حدیث

واژه «أفضل» از ریشه فضل، در لغت اسم تفضیل بوده و در معانی درجه، رفعت (فراہیدی، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۵) و درجه رفیع در فضل (ابن درید، بی تا، ج ۲، ص ۹۰۷) به کار رفته است. بر پایه تصریح راغب اصفهانی، معنای اصلی فضل (بیشی و زیاده) می باشد که گاهی قابل ستایش است و گاهی قابل ستایش نیست (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۹۵). در فقه فضیلت به معنای برتری یک عمل بر عمل دیگر از نظر اجر و پاداش الهی (استحباب)، نه الزام شرعی، به کار رفته است (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۷۵).

۴-۱. معنای لغوی و اصطلاحی «أعمال» در حدیث

مهم ترین پرسش در تبیین معنای حدیث، دانستن گستره واژه «أعمال» است. مراد عموم اعمال است یا از آن اراده خصوص شده است؟ ظاهراً مراد مطلق اعمال نیست، بلکه آن دسته اعمالی است که انسان را به سوی کمال می برند و غایت کمال به قرینه أفضل دانسته می شود (ایجی، بی تا، ج ۸، ص ۲۸۵؛ رضائزاد، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۸۹۷؛ علامه حلّی، ۱۴۱۳، ص ۳۶۰؛ کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۹۰؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۹۱). بنابراین مراد از اعمال، طاعات و عبادات است که در سخنان امیرالمؤمنین (ع)، مصداق أفضل ابزارهای توسل می باشد (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۹). از دیگر سو، گزاره «أفضل العبادات أحمرها» در مصادری آمده است که معنای اعمال را به عبادات انصراف می دهد (مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ج ۷۹، ص ۲۲۸). همچنین به قرینه استناد فقیهان به حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» در ابواب عبادات، دانسته می شود قدر متیقن از واژه اعمال، عبادات است.

۵-۱. معنای لغوی و اصطلاحی «أحمر» در حدیث

واژه «أحمر» از ریشه حمز، اسم تفضیل بر وزن «أفعل» می باشد که در لغت به آشق، آشد، اقوی و اتمن معنی شده است، اما بیشتر اهل لغت معنای «أشق» را برای آن برگزیده اند (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۸۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۵۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶). ظاهراً واژه «أحمر» در حدیث نیز به معنای «أشق»، همسان فارسی دشوارتر، سخت تر، رنج آورتر و مرارت بازتر به کار برده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه مشقت). همان گونه که بسیاری به معنای آشق برای واژه أحمر تصریح نموده اند (حسینی شیرازی،

۱۴۱۳، ص ۱۷۷؛ شریف کاشانی، ۱۴۰۴، ص ۱۶۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷؛ طباطبایی یزدی، بی تا، ص ۲۷۵؛ کاشانی، حبیب الله، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲. باید توجه داشت که مراد حمازت و مشقت ذاتی است؛ یعنی کاری که ذاتاً سختی و دشواری به همراه دارد (حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۱۳، ص ۱۷۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۸۶).

۲. واکاوی سند و مفاد حدیث «أفضل الأعمال أحمزها»

نخست راوی و سند حدیث بیان و سپس مفهوم برگزیده گزاره تبیین شده است.

۲-۱. سند حدیث

این حدیث در بسیاری از منابع روایی امامیه و غیرامامیه نقل شده است. برخی راوی این حدیث را ابن عباس دانسته اند (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۸۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۵۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶). هرچند سند حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» مرسل و مرفوع است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۷۶؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۸۱)، اما در شهرت و معروفیت حدیث تردیدی نیست و بسیاری به آن تصریح نموده اند (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۹؛ عاملی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۱۹؛ مجلسی اول، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ج ۷۹، ص ۲۲۸). حتی برخی بر آن ادعای تواتر نموده اند (کاشانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۶). در هر روی، ضعف سندی با شهرت عملی قابل جبران است؛ زیرا بسیاری از فقیهان امامیه هنگام اثبات استحباب عبادات شاقّ به آن استناد نموده اند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۲۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۶؛ بهبهانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۹۴؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۲؛ سبزواری، ۱۲۴۷، ج ۲، ص ۶۵۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۵؛ هندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۴۳).

۲-۲. دلالت حدیث

تبیین دلالت حدیث «أفضل الأعمال أحمزها»

در مورد دلالت حدیث یادشده، دست کم دو وجه اصلی در میان شارحان وجود دارد:

یکم: برخی به قول مطلق قائل شده اند هرگاه میان دو یا چند کار، یکی از آنها

سخت‌تر باشد، همان افضل است؛ خواه همگی از یک گونه باشند، خواه نباشند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۸).

دوم: مجلسیان و برخی دیگر بر این باورند که مراد از افضل هر گروهی از گونه‌های اعمال، احمز آن گونه است؛ مثلاً در میان روزه در طول سال، روزه در تابستان یا گرما و در میان وضو و غسل، وضو و غسل در زمستان یا سرما سخت‌تر و افضل است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۶؛ عاملی، بی تا، ص ۴۵ و ۱۳۹۰، ص ۲۶۰؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۰ و ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ج ۷۹، ص ۲۲۸ و ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۱۰۵). البته برخی در جایگاه تبیین مفهوم این حدیث، به حدیث «افضل الأعمال، ما أکرت علیه نفسک» استناد نموده‌اند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۹۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۲۳). این گونه که برترین کارهای انسان کارهایی است که او ذاتاً از آن‌ها به سبب دشواری کراهت دارد. از این رو، ناخوش داشتن کاری می‌تواند از مصادیق سختی و دشواری و افضل باشد.

دیدگاه برگزیده: به نظر می‌رسد همان گونه که بیشتر شارحان حدیث «افضل الأعمال احمزها» بر آن شده‌اند مراد از افضل، آن دسته عباداتی است که در قیاس با دیگر گونه‌های خود و نه دیگر عبادات، با تحمل دشواری بیشتری انجام شده است و شارع برای تلاش بیشتر انسانی که در پی نزدیک شدن به ذات اقدس الهی است، ارزش قائل است. به دیگر سخن، اندازه سختی در هر یک از عبادات، کلی مشکک و دارای مراتب ضعیف و قوی است؛ در حقیقت اقوی مراتب از لحاظ سختی آن عبادات ویژه، افضل مراتبش است.

بنابراین از آنجایی که هر یک از عبادات، تابع مصالح نفس‌الامری هستند و شارع از هر یک مقصد ویژه‌ای را دنبال می‌کند و دلیلی مگر ظن، در دست نیست که فلان عبادت بر دیگر عبادت به سبب سختی بیشتر برتری دارد، چنین مقایسه‌ای درست نبوده و از انسان‌های عادی بعید است؛ چه رسد به شارع حکیم! از این رو، مناسب‌تر آن است که حدیث بر دیدگاه دوم حمل شود.

۳-۲. ملاک کثرت ثواب در حدیث

در این که حدیث «افضل الأعمال احمزها» اندازه ثواب را تابعی از چه می‌داند، سه

دیدگاه وجود دارد که در این بخش آورده شده است:

یکم: مشهور فقیهان به استناد حدیث گفته‌اند که ثواب با دشواری نسبت مستقیم دارد. به دیگر سخن، هرچقدر دشواری مکلف بیشتر باشد، ثواب دریافتی او نیز بیشتر و در پی آن به پروردگار نزدیک‌تر می‌شود (آملی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۷۳؛ بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۴۵؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰، ص ۲۹؛ عاملی، بی‌تا، ص ۲۸؛ نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۵؛ یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۱۰). این نکته را برخی کاشف از تأکید حسن و مصلحت می‌دانند (آشتیانی، ۱۴۲۵، ص ۲۳۴).

دوم: صدرالدین شیرازی ملاک اصلی در ترتب ثواب و بسیاری آن را دواعی و قصود ممتثل بیان نموده است و در واقع آن را بر دشواری خلوص نیت حمل می‌کند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۸).

سوم: برخی از معاصران، ملاک استعداد و عمل را در تبیین تابع به کار گرفته‌اند. از این رو، برترین اعمال هر فرد متفاوت است و دشواری عمل نسبت به استعداد هرکس سنجیده می‌شود. هر اندازه توان شخص بیشتر باشد، انتظار از او بیشتر است و بالعکس (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۶۰). آلوسی نیز برای تبیین این معنی، در قالب یک نمونه، موانع استعداد عمل را نیز مطرح می‌نماید که صدقه از شخص بخیل ارزشمندتر از صدقه شخص سخاوتمند است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۴۳).

دیدگاه برگزیده: بیان مشهور و دو بیان دیگر درباره حدیث با هم منافاتی ندارند و از این رو، به نظر می‌رسد ظاهراً می‌توان جمع همه این بیانات را پذیرفت. این گونه که هر اندازه بار سختی بیشتر بر دوش ممتثل باشد، ثواب عمل وی بیشتر است. خواه سختی از بابت خالص نمودن انگیزه و حسن فاعلی باشد؛ خواه از رهگذر امتثال و حسن فعلی. البته باید در نظر داشت که اندازه سختی خالص نمودن نیت و امتثال فعل، وابسته به چهار متغیر احوال، اشخاص، ازمه و امکان می‌باشد و با گوناگونی هریک، گوناگون می‌شود.

۲-۴. مقایسه نیت و عمل از حیث دشواری

سه دیدگاه در بیان نسبت میان نیت و عمل، از رهگذر اندازه دشواری وجود دارد: **یکم:** گروهی خالص نمودن نیت را از امتثال عمل سخت‌تر دانسته‌اند؛ از آن

رهگذر که نیت خالص متوقف بر خالی کردن قلب از دوستی دنیا و کندن آن از هرگونه گرایش به سوی غیر خداست و این کار سخت‌ترین چیزها برای نفس است. ازاین‌رو، در برخی اخبار، نیت نسبت به عمل بهتر دانسته شده است. نتیجه آن که نیت اشق می‌باشد و ازاین‌رو، افضل است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۵۰).

دوم: گروهی عمل را از نیت سخت‌تر دانسته‌اند. چراکه نیاز به تلاش، کوشش و به‌کارگیری نیرو و توان جسمانی دارد و ازاین‌رو، چگونه می‌توان نیت را از عمل سخت‌تر دانست؟ این نکته صراحت در برتری عمل دارد (شریف کاشانی، ۱۴۰۴، ص ۱۶۱).

سوم: گروهی از پایه نیت و عمل را دو چیز گوناگون دانسته‌اند و ازاین‌رو، بر این باور هستند که میان اخبار دال بر برتری نیت و این حدیث هیچ‌گونه منافاتی وجود ندارد (بحرانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۲۲).

دیدگاه برگزیده: ظاهراً به نظر می‌رسد دیدگاه سوم مناسب‌تر باشد؛ بدین معنی که این حدیث از پایه در جایگاه بیان ارزش آن دسته از عباداتی است که در قیاس با گونه‌های آسان خود، سختی بیشتری را بر فاعل بار نموده‌اند و از آنجایی که در دایره رفتار توان بیشتری در امتثال آن‌ها به‌کار رفته، نمود بیشتری دارند. این نکته به‌هیچ‌وجه به معنای مهم نبودن نیت نیست؛ چراکه عمل و نیت دو چیز گوناگون بوده و هر دو مهم می‌باشند؛ اما، دست‌کم از این حدیث نمی‌توان مهم بودن یکی بر دیگری را برداشت نمود.

۳. قاعده‌انگاری حدیث

۳-۱. انطباق ویژگی‌های قاعده فقهی بر «أفضل الأعمال أحمرها»

برای پاسخ دادن به این پرسش که «أفضل الأعمال أحمرها» می‌تواند قاعده‌ای فقهی تلقی شود یا خیر، باید ویژگی‌های قواعد فقهی و انطباق یا عدم انطباق آن‌ها با «أفضل الأعمال أحمرها» مورد بررسی قرار گیرد. چنان‌که گذشت قاعده فقهی ویژگی‌های سه‌گانه‌ای دارد که در این بخش انطباق و چگونگی انطباق آن‌ها با «أفضل الأعمال أحمرها» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱. کلی بودن

قاعده فقهی، حکمی کلی است که به لحاظ اصناف آن کلیت دارد. این صنف پذیری گاه به لحاظ موضوع می باشد؛ مانند قاعده ید که در اصناف اموالی که تحت ید قرار می گیرد، جاری می شود و موضوع آن گسترده است و ممکن است موضوع آن خانه یا مغازه یا هر مال دیگری باشد. گاه گستردگی آن به لحاظ حکم است؛ مانند قاعده «تیمم المیت بمنزلة الحي» که احکام تیمم فرد زنده را برای تیمم میت اثبات می کند و بیان می دارد همه احکامی که تیمم یک فرد زنده دارد، تیمم میت نیز دارد. بر پایه این ویژگی که کلیت به لحاظ تعدد اصنافش است، به نظر می رسد این خصوصیت در مورد «أفضل الأعمال أحمزها» قابل انطباق باشد؛ زیرا در ابواب مختلف فقهی از تفضیل اعمالی که دشواری بیشتری دارند، سخن به میان آمده است، چنان که در مبحث نذر گفته شده است که نذر روزه در مکانی خاص به دلیل آن که روزه در برخی مکان ها نسبت به دیگر مکان ها دشوارتر است، جایز و لازم الاجرا می باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۵). همچنین، در باب حج گذشته از برتر دانستن حج با پای پیاده نسبت به حج سواره (جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۲)، در عرفات دعا خواندن به صورت ایستاده، بر دعا خواندن به صورت نشسته برتر دانسته شده است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۴۱۵).

۳-۱-۲. تعارض با ادله احکام

از جمله ویژگی های قاعده فقهی آن است که با ادله احکام اصطکاک و تعارض داشته باشد؛ یعنی، میان قاعده فقهی و ادله احکام تعارض غیرمستقر وجود دارد. به شکلی که لازم می آید میان آن و ادله احکام جمع شود. مانند این که وجوب مقدمی وضو برای نماز با تیمم معارضت دارد. این گونه که ادله احکام اولیه وضو را واجب می دانند و با ادله نفی حرج که تیمم را لازم می داند، اصطکاک دارد (قابل، ۱۳۹۰، ص ۸۸ و ۸۹).

این ویژگی قاعده فقهی نیز بر «أفضل الأعمال أحمزها» قابل انطباق است؛ زیرا، برای نمونه ادله وجوب حج و اجزای آن، میان گونه های مختلف حج و اجزای آن تفاوتی را نمی بینند؛ لذا، با «أفضل الأعمال أحمزها» که برخی از اقسام را برتر می داند،

اصطکاک دارند.

۳-۱-۳. امضای شارع

بر پایه این ویژگی، قاعده فقهی باید به وسیله دلیلی شرعی از کتاب، سنت، اجماع یا عقل یاری و پشتیبانی شود. این ویژگی نیز با عنوان «أفضل الأعمال أحمرها» انطباق دارد؛ زیرا، برای اثبات به ادله شرعی استناد شده است.

۳-۲. دلیل‌های چهارگانه قاعده «أفضل الأعمال أحمرها»

به نظر می‌رسد شیخ عبدالصمد بهایی نخستین فقیهی باشد که از آن به قاعده تعبیر نموده باشد؛ چنان‌که گفته است: «غالباً زیاد یا اندک بودن ثواب عمل تابع مشقت داشتن عمل یا آسان بودن آن است؛ به دلیل قول معصومان (ع) «أفضل الأعمال أحمرها»؛ بر پایه قواعد مذهب ما و مذهب معتزله این امر با عدل و حکمت خداوند سازگار است. تنها مواردی از این قاعده مستثنی می‌شوند که درباره آن‌ها نص خاصی وارد شده است؛ مانند آن‌که دو عمل (از حیث مشقت و آسانی) مساوی باشند؛ اما، یکی از آن‌ها برتر از دیگری باشد، مانند تکبیرة الاحرام که در مقایسه با دیگر تکبیرهای واجب افضل است و نیز مانند نماز در دو مسجد که فاصله یکسانی با نمازگزار دارند و یکی از آن‌ها جماعت نمازگزار بیشتری دارد» (عاملی، بی‌تا، ص ۲۸). از فقیهان معاصر، صدر از حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» با عنوان قاعده و قانون یاد نموده است (صدر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۲). برای اثبات این قاعده می‌توان به ادله پیش‌رو استناد نمود.

۳-۲-۱. کتاب

به استناد آیات بسیاری از قرآن مجید، بردباری و ورزیدن در برابر امتثال فرامین و طاعات دشوار الهی، مسلماً مستوجب پاداش بزرگ خداوند است. ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران/۱۷۲)؛ «آن‌ها که دعوت خدا و پیامبر را، پس از آن‌ها همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و هنوز زخم‌های میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمراء الاسد» حرکت نمودند)؛ برای کسانی از آن‌ها که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش

بزرگی است.»

مستند به آیه یادشده، اندازه پاداش و ستایش خداوند از رفتار انسان، با دشواری های خالصانه الهی که انسان تحمل می کند، نسبت مستقیم دارد (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۵۲؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۱۶). آیه شریفه حاکی از آن است که کسانی که پس از جهاد نخست و جراحت برداشتن و متحمل سختی های فراوان شدن، بی آن که استراحت کنند یا زخم هایشان التیام یابد، به جهاد دیگر رفته اند. این جهاد دوم و حرکت دوباره به میدان کارزار پیش از بازسازی جسمانی ایشان، مصداقی روشن از عمل دشوار به شمار می آید و خداوند در بخش پایانی آیه، با آوردن ﴿أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ فضیلت کار ایشان را به نسبت جهاد نخست اثبات نموده است. ازاین رو، استناد به عموم آن، برای اثبات استحسان و مطلوبیت تحمل شداید و فضیلت دشواری ها و سختی ها کافی است.

۳-۲-۲. سنت

مهم ترین مستند نقلی قاعده، حدیث نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمزها» می باشد که سند و دلالت آن در بخش های پیشین تبیین شد. علامه مجلسی بر شهرت این حدیث تصریح نموده است (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۹). افزون بر حدیث مزبور حدیث «أفضل الأعمال ما أكرهت نفسك عليه» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۹۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۲۳) نیز می تواند مستند قاعده یادشده قرار بگیرد؛ زیرا، نفس انسان ذاتاً از کارهایی که مشقت بیشتری دارند، ناخوشی دارد و به کارهای آسان تر گرایش بیشتری نشان می دهد. از سویی، افضل دانستن این گونه کارها که روایت به آن تصریح دارد، نشانگر آن است که انجام کارهای عبادی با دشواری بیشتر، نزد شارع از مطلوبیت ویژه ای برخوردارند.

در باره سند حدیث یادشده باید گفت، گذشته از آن که حدیث در نهج البلاغه (صالح، ۱۴۱۴، ص ۵۱۱) از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده؛ اما، در کتب اربعه آورده نشده است. از سویی، در کتاب های دیگر از پایه برای آن سندی ذکر نشده است (عاملی، بی تا، ص ۴۵) تا بتوان راویان آن را مورد بررسی قرار داد. بلکه آن را با تعبیر فعل مجهول «رُوی» یا «یُروی» نقل نموده اند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۶۰؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴،

ج ۸، ص ۹۴) که اشعار به ضعف و ارسال دارد. همچنین، پذیرش مدلول آن را معلق به فرض صحت سند آن نموده‌اند (مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۰؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۱۰۵) که برخاسته از تردید ایشان در درستی سند آن است.

همانند حدیث یادشده، در برخی مصادر حدیثی آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أُكْرِهْتُ عَلَيْهِ النَّفْسُ» (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۴۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۹۷؛ محمودی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۲۵۰) بهترین کارها آن‌هایی هستند که انجام آن‌ها برای نفوس ناخوشایند است. حدیث یادشده که از پیامبر گرامی (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است، فاقد سند می‌باشد. از سویی برخی آن را فاقد اصل و سخن عمرو بن عبدالعزیز دانسته‌اند (معرفت و دیگران، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۲۰۴) و ازاین‌رو بررسی راویان آن نیز امکان ندارد. با این حال علمای امامیه حدیث پیشین و مانند آن را در برخی کتاب‌های خود ذکر نموده‌اند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۲۷۲؛ لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۰). در فرض نادیده گرفتن ضعف سند حدیث مزبور، با توجه به شباهت معنای آن با حدیث پیشین چگونگی دلالت آن بر قاعده «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا» روشن است.

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه بیان نموده است که احمد بن اسحاق بن سعد به نقل از عبدالله بن میمون گفته‌اند که امام صادق (ع)، از پدرشان امام باقر (ع) نقل فرموده‌اند که «فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ خَيْرًا كَثِيرًا» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۱۶۱؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۲۱۷؛ ورام، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۳). روایت را احمد بن اسحاق بن سعد به نقل از عبدالله بن میمون از امام صادق (ع) و ایشان از پدرشان امام باقر (ع) نقل نموده و بیان شده است که احمد بن اسحاق بن سعد و عبدالله بن میمون هر دو ثقة هستند (ابن داود، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴؛ حائری مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۴۶؛ طوسی، ۱۴۲۷، ص ۳۹۷؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۲۱۶). بنابراین، می‌توان از آن به عنوان مؤیدی برای قاعده «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا» یاری گرفت. صبر در برابر کارهایی که برای انسان ناخوشایند است، از مصادیق معروف به شمار آمده است (حسینی روحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۴). بدیهی است صبر در برابر انجام اعمال عبادی دشوار یکی از مصادیق معروف است.

۳-۲-۳. عقل

در چگونگی این دلیل باید گفت که هیچ گونه مانع عقلی بر سر راه پذیرش برتری عبادت مکلفی که برای امتثال آن رنج بیشتری کشیده است، وجود ندارد (موسوی تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۰). بلکه در این جا حکم عقل با حکم شرع مطابقت داشته و مبنای پاداش دهی را اندازه سختی و دشواری ممثّل می داند (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۲۱۶). این گونه که رنج انسان در راستای نزدیک شدن به خداوند که اندازه تلاش وی را نشان می دهد، بیهوده نیست و خداوند به پاس تلاش انسان برای آن رنج پاداش در نظر می گیرد. از این رو، در جایگاه قاعده انگاری حدیث یاد شده، می توان به حکم عقل نیز استناد نمود.

۴. مستثنیات قاعده «أفضل الأعمال أحمرها»

باید گفت همان گونه که برخی حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» را قضیه ای مهمله دانسته و کلیت آن را نپذیرفته اند (طباطبایی بزدی، بی تا، ص ۲۷۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶)، این قاعده نیز همانند بسیاری دیگر از قواعد فقهی، مواردی را دربر نمی گیرد که در این راستا، پژوهش به چهار مورد آن ها دست یافته است.

۱-۴. صحیحہ قدسی ابان بن تغلب

مستند به صحیحہ قدسی ابان بن تغلب که در کتاب الکافی نقل شده و مورد اتفاق فریقین است، «وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ»؛ «و بنده ای از بندگانم به چیزی دوست داشتنی تر نزد من از آنچه بر وی واجب کرده ام، به من نزدیک نشده است» (بستی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۸؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۸۲؛ متقی هندی، ۱۹۸۹، ج ۷، ص ۷۷۰؛ بخاری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۱۰۵؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۷۳؛ مجلسی اول، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۳۸۹). بهاء الدین عاملی قاعده تفضیل واجب بر مستحب را مستفاد از این صحیحہ دانسته است (عاملی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰). البته بعید نیست همان گونه که برخی بیان نموده اند، کلیت قاعده برتری واجبات بر مستحبات نیز گاهی تخصیص خورده باشد. مانند جواب سلام که واجب است؛ اما، ثواب خود سلام که مستحب می باشد، کمتر است (مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۸۱).

دیگر مواردی که شاید از قاعده تفضیل واجب بر مستحب استثنا شده باشند،

عبارت‌اند از: ۱. ابراء از دین با آن که مستحب است، بر انظار (مهلت دادن به مدیون) که واجب است، مقدم می‌باشد. ۲. نمازی که با جماعت اعاده می‌شود، (مستحب) بر نمازی که قبلاً خوانده شده (واجب) مقدم است، هرچند که موارد مزبور و مانند آن‌ها قابل مناقشه‌اند (عاملی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰).

از این رو، هرگاه دو عمل متساوی یکی واجب و دیگری مستحب باشد؛ مانند، تکبیر الاحرام واجب نماز و دیگر تکبیرهای مستحب نماز، به گواهی عرف و وجدان، واجب مطلقاً از مستحب سخت‌تر و برتر است؛ زیرا، مکلف اختیار ترک عمل واجب را ندارد؛ حال آنکه می‌تواند عمل مستحب را ترک نماید. بنابراین، ثواب مترتب بر واجبات از ثواب مستحبات بیشتر است؛ اما، چنانچه واجبی باشد که می‌تواند با تحمل زحمت بیشتر صورت پذیرد یا با زحمت کمتر؛ در فرضی که زحمت بیشتری دارد، ثواب بیشتری هم خواهد داشت (بهاء‌الدین عاملی، بی‌تا، ص ۲۸).

به دیگر سخن، از آنجایی که ترک واجب عقوبت و کیفر اخروی دارد و باید با رعایت شرایط و کیفیت خاصی انجام شود، شاید از نظر روانی مکلف در حالت تردید قرار بگیرد که آن واجب با شرایط یا کیفیت لازم انجام نشده است و لذا خود را مستحق عقوبت اخروی بداند؛ اما، در ترک مستحب چنین حالت روانی وجود ندارد؛ زیرا، ترک آن عقوبت اخروی ندارد و تنها موجب از دست دادن ثواب است. این امر مؤید آن است که انجام واجبات نسبت به انجام مستحبات از نظر روحی نیز مشقت بیشتری دارد.

شاید بتوان گفت که مفهوم حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» آن است که از هر نوعی از اعمال (واجب یا مستحب) سخت‌تر آن بر موردی که آسان‌تر است، برتری دارد؛ یعنی، در بین کارهای واجب نوع سخت‌تر آن‌ها بر نوع آسان‌تر آن‌ها مقدم است. چنان که برخی از فقیهان گفته‌اند در اعمال حج و قوف در عرفات به صورت ایستاده (پیاده) بر وقوف در آن به صورت سواره افضل است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۱؛ مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۵). همچنین، در مستحبات نوع سخت مستحبات بر نوع آسان‌تر آن‌ها افضل می‌باشد، چنان که تصریح شده است که تشییع جنازه به صورت پیاده بر تشییع جنازه

به صورت سواره افضل است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۷۰).

۲-۴. برخی روایات دال بر ثواب بسیار

مواردی در روایات موجود است که برای برخی اعمال خاص ثواب بسیاری در نظر گرفته شده است؛ حال آنکه شاید برای انجام آن‌ها زحمت بسیاری مصروف نشود. این موارد در واقع عموم قاعده یادشده را تخصیص زده‌اند. مانند ثواب تسبیحات حضرت زهرا(س) که از هزار نماز مستحبی برتر دانسته شده است یا فضیلت گریه بر مصائب حضرت سیدالشهدا(ع)؛ در حالی که زحمت ظاهری هزار نماز بیشتر است (خواجه‌ی مازندرانی، ۱۴۱۸، ص ۲۱۸؛ عاملی، بی‌تا، ص ۲۸).

۳-۴. اثبات حرمت

جایی که حرمت دشواری ثابت شود، یقیناً از شمول این قاعده خارج است (ایوان کیفی، ۱۴۲۹، ص ۵۰۴). بنابراین، هرگاه ضرر داشتن عملی محرز شود، دیگر نمی‌توان گفت آن عمل همچنان مستحب و مطلوب است و عموم قاعده آن را فرا می‌گیرد؛ برای نمونه هرگاه روزه برای بانوی بارداری یا جنین وی ضرر قطعی داشته باشد و او با این حال روزه بگیرد، نمی‌توان گفت شایسته گرفتن پاداش الهی خواهد بود.

۴-۴. زوال خشوع و ایجاد ضعف

اگر امثال عبادت دشوار به دلیل ایجاد رنجش در بدن، خشوع را از میان ببرد یا موجب ضعف در امثال شود، التزام به مطلوبیت آن از رهگذر قاعده پیش‌رو مشکل است (سبزواری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۶۵۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۱؛ عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۴۱۵). بنابراین، شاید بتوان جاری نمودن قاعده یادشده را مشروط به عدم این دو مورد دانست.

۵. جایگاه قاعده «أفضل الأعمال أحمزها» در برداشت‌های فقهی

بر پایه یافته‌های پژوهش، در سه جایگاه به این قاعده استناد شده است که در این بخش، جداگانه به هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. افضلیت عبادات دشوار

بیشترین کاربرد قاعده «أفضل الأعمال أحمزها» در اثبات افضلیت عبادات دشوار

است. این گونه که هرگاه عبادتی بتواند به شیوه‌ای آسان‌تر انجام شود؛ اما، مکلف برای نزدیک شدن به ذات باری تعالی راه دشوارتر را برگزیند، سزاوارستایش و پاداش بیشتر است. این دیدگاه ظاهراً اجماعی است یا دست کم مخالفی برابر آن دیده نشده است. فقیهان در بسیاری عبادات به ویژه ابوابی همچون حج و صیام با استناد به حدیث، افضلیت گونه‌های دشوارتر اثبات نموده‌اند (اردیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۲۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۵۰ و ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۱ و ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۶۴). حتی برخی به اشکال مقدر پیرامون سند حدیث پاسخ داده‌اند که در ادله سنن تسامح می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۷۶).

افضلیت عمل دشوار هم در فرض وجوب عمل و هم در فرض استحباب آن قابل تصور است. چنان که با وجود وجوب رمی جمرات، برخی با استناد به حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» استحباب رمی جمرات به صورت سواره را نتیجه گرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۱). همچنین، برخی با وجود استحباب تشییع جنازه، به استناد حدیث مزبور تشییع به صورت ایستاده را افضل دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۴۲).

شهید ثانی عبارتی را از محقق حلی پیرامون نذر روزه در شهری خاص نقل کرده است که بر پایه آن شیخ طوسی گفته است ناذر می‌تواند در هر شهری که بخواهد روزه بگیرد و وفای به نذر کند. محقق حلی در ایراد به دیدگاه مزبور، آن را مورد تردید دانسته است. شهید ثانی در تأیید دیدگاه محقق حلی اشاره نموده است از آنجا که روزه در برخی مکان‌ها دشوارتر است، مستند به «أفضل الأعمال أحمرها» باید در همان جایی که نذر کرده است، روزه بگیرد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۵۰).

این امر نشانگر آن است که میان دشوار بودن عمل و افضلیت انجام آن ملازمه است. از سویی، برخی از فقها همچون علامه حلی پیرامون وقوف در عرفه گفته‌اند وقوف در عرفه به شکل ایستاده، نشسته، سواره و پیاده کفایت می‌کند؛ اما با این حال بهتر است که به سبب سخت‌تر بودن وقوف به صورت ایستاده، مستند به حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» وقوف را به صورت ایستاده انجام دهند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۱).

بر پایه این دیدگاه، با توجه به کفایت شکل های گوناگون وقوف در عرفه، میان انجام عمل دشوار و افضلیت آن ملازمه است. مقایسه مثال محقق حلی و علامه حلی نشان می دهد که افضلیت عمل دشوار ممکن است به گونه وجوب باشد؛ مانند مثال شهید ثانی و ممکن است به صورت استحباب باشد؛ مانند مثال علامه حلی، مثال رمی جمرات به صورت ایستاده افضلیت به شکل استحباب نشان می دهد. از سویی، با وجود استحباب اصل تشییع جنازه، افضلیت تشییع به صورت ایستاده نتیجه گرفته شده است.

بنابراین، تلاش بیشتری که در راستای انجام عمل، خواه واجب و خواه مستحب صورت پذیرد و انسان تلاشگر در پی آن متحمل دشواری و سختی شود، با ثبوت استحباب ملازمه دارد. این گونه که مکلف افزون بر اتیان مطلوب مولی، چیزی افزون بر آن نیز آورده و احسان نموده است و پاداش آوردن زیادتی بر مطلوب مولی نیز احسان مولی است که پروردگار آن را با ثواب بیشتر جبران می نماید (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ص ۲۹). حال این ثواب بیشتر که معلول تلاش، دشواری و سختی بیشتر می باشد، واجب است یا مستحب؟ پاسخ مستحب بودن آن است؛ چرا که مکلف در تحمل شداید و ترک آن ها مخیر است و این معنی چیزی مگر استحباب نیست که آن را ثواب داشتن برای فاعل و عقاب نداشتن برای تارک دانسته اند (هلال، ۱۴۲۴، ص ۳۳۶).

۲-۵. استحباب مقدمات واجبات نفسی

این نکته بیشتر در کتاب های اصول فقه دیده شده است؛ مبنی بر این که هرگاه برای عملی که واجب نفسی به شمار آید و واجب غیری نباشد، مقدمات بسیاری وجود داشته باشد، مکلف برای انجام این مقدمات بسیار، قطعاً درخور پاداش است؛ چرا که برای انجام آن واجب به سختی و دشواری افتاده است و شارع مستند به حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» مزد تلاش هایش را خواهد داد (ایروانی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۵۱؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۴۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۰۴؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۲؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۸). برای نمونه حج واجبی نفسی است و پیش از آغاز مناسک آن ناگزیر از انجام مقدمات بسیاری همانند ثبت نام، فراهم آوردن زاد و توشه، سفر از وطن تا میقات و پیگیری اموری دیگر است. حال با عدالت الهی

سازگار نیست که این همه سختی و تلاش بی‌پاداش بماند.

۳-۵. صحت عبادات دشوار

در واقع اختلاف اصلی فقیهان امامیه در این مسئله، برای پاسخ به این پرسش است که حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» می‌تواند حکم شرعی صحت را برای اعمال عبادی دشوار ثابت نماید؟ فقیهان امامیه دو دسته پاسخ داده‌اند؛ برخی از ایشان عبادات حرجی را باطل دانسته (خوانساری، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷) و گروهی دیگر عبادات حرجی را صحیح دانسته‌اند (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۰۰). از این رهگذر که با وجود حدیث یادشده، مقتضی برای صحت عبادات دشوار وجود دارد و تنها مانع پیش‌روی صحت آن‌ها، قاعده نفی حرج یا قاعده نفی ضرر است، نسبت میان حدیث و هر یک از این دو قاعده جداگانه سنجیده شده است. البته این تفکیک برخاسته از آن است که گاه دشواری به مرتبه حرج می‌رسد و گاه از آن فراتر رفته و مستلزم ضرر است.

۳-۵-۱. نسبت سنجی قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» با قاعده نفی حرج

در میان قواعد فقهی، قاعده مورد بحث با قاعده نفی حرج بیش‌ترین ارتباط را دارد که در این بخش به نسبت سنجی مفهوم، موضوع حکم و مرفوع هر یک از این دو قاعده پرداخته شده است. لغتاً «حمر» به معنای شاق، همسان سختی (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۸۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۵۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶) و «حرج» به معنای ضیق، همسان تنگی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳۳؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۰۵؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۱۷) می‌باشد. البته گاهی نیز این دو واژه مرادف با یکدیگر به کار رفته‌اند (واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۴۶). روی هم رفته این دو واژه معنای لغوی نزدیکی با یکدیگر دارند، هر دو واژه بیانگر سختی و دشواری است و نمی‌توان تفاوت زیادی را میان این دو قائل شد. بنابراین، متبادر از این دو واژه، آن‌گونه دشواری است انسان می‌تواند از پس آن برآید؛ اما، شدید است (ایروانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۷۵).

میان این دو قاعده به دو شیوه جمع شده است: یکم: برخی بر آن‌اند تا با بیان خروج موضوعی ادله نفی حرج از عموم حدیث «أفضل الأعمال أحمرها»، میان این دو جمع نمایند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۴۶). این‌گونه که ادله نفی حرج در

جایگاه اثبات نبود واجبات مستلزم حرج در شریعت هستند؛ حال آن که حدیث ارزش و برتری افعال حرجی را ثابت می کند و استحباب عبادات حرجی از آن قابل برداشت است. دوم: راه دیگر، دست یازیدن به خروج حکمی حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» از ادله نفی حرج و جمع عرفی میان این دو است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸). به دیگر سخن، اصل نبود حرج در شریعت است و حدیث به سبب داشتن مصلحت الهی، این اصل را تخصیص زده است.

دیدگاه برگزیده: خواه حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» از ادله نفی حرج خروج موضوعی داشته باشد و خواه آن را تخصیص بزند، در عمل تفاوت چندانی نخواهد داشت؛ چراکه قاعده نفی حرج در جایگاه امتنان شارع بر بندگان می باشد و از رهگذر امتنان، وجوب فعل حرجی را برداشته است. ازاین رو، انجام فعل حرجی صحیح و به استناد حدیث یادشده مطلوبیت دارد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۷۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ص ۱۶۱؛ مشکینی، بی تا، ص ۴۱۲).

بنابراین، آنچه که حکم آن از گردن مکلف برداشته شده است، وجوب فعل حرجی است؛ نه جواز آن (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۴۳). ازاین رو، نظر به دلالت حدیث «أفضل الأعمال أحمزها»، افضلیت انجام فعل عبادی حرجی ثابت می گردد؛ چراکه حکم شرعی به مجرد وقوع حرج از مطلوبیت خارج نمی شود (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۷۶؛ بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۵۰۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۱۵۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ص ۱۶۱). بلکه تنها حکم تکلیفی وجوب این گونه است که از رهگذر امتنان الهی برداشته می شود. بنابراین، حکم وضعی صحت فعل حرجی به دلیل وجود رجحان و ملاک حکم ثابت باقی خواهد ماند (ایروانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۸۱). بنابراین، هرگاه عموم مطلوبیت و استحباب فعل حرجی عبادی پذیرفته شود، دیگر تفاوتی ندارد که فعل حرجی کدام یک از عبادات باشد و در هر روی افضلیت آن ثابت است.

در چگونگی مطلوب و افضلیت انجام فعل عبادی حرجی، همچون وضو یا غسل حرجی باید گفت گرچه تکلیف مکلف تیمم است؛ اما گویا مکلف میان دو تکلیف یکی حرجی (وضو و غسل) و دیگری آسان (تیمم) روبه روست و مخیر است

هر یک را بخواهد، انجام دهد. انتخاب فعل حرجی (وضو و غسل) اشکالی ندارد و نماز با آن صحیح است. گروهی از فقها به این دیدگاه که از آن به عنوان «دیدگاه ترخیص» تعبیر می‌شود، گرایش دارند؛ در برابر این دیدگاه، گروهی از فقها بر این باورند که انجام فعل حرجی (وضو یا غسل) کفایت نمی‌کند و مکلف تنها با یک تکلیف که تیمم باشد مواجه است، از این دیدگاه به عنوان «دیدگاه عزیمت» تعبیر می‌شود (ایروانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷۹).

۵-۳-۲. نسبت سنجی قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» با قاعده نفی ضرر

در تبیین نسبت قاعده با قاعده نفی ضرر، میان فقیهان سه دیدگاه اصلی وجود دارد که در این بخش به هر یک پرداخته شده است.

یکم: برخی عبادت ضرری را از پایه باطل می‌دانند و به باور ایشان فعل حرجی، اصلاً ضرری نیست تا قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» شامل آن نشود (مشکینی، بی‌تا، ص ۴۱۲).

دوم: به باور برخی، عبادت ضرری هم امری مطلوب است. مستند ایشان ظهور ملاک مطلوبیت در آن، سیره معصومان (ع) بر اخذ فعل شاق؛ هرچند که ضرری باشد و نیز عموم حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۱۰۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۳، ص ۱۷۷).

سوم: مطلوبیت عبادت ضرری محل تأمل است و اگر ادله نفی ضرر موجود نبود، شاید ضرر با پاداش قابل جبران بود (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۶؛ ایروانی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۵۱). یعنی این‌گونه است که ادله نفی ضرر بر ادله انجبار سختی تحمل شده بندگان با ثواب شارع، وارد هستند.

دیدگاه برگزیده: نظر به تبادر و وجدان تفاوت لغوی میان ضرر و حرج که نخستین به معنای نقص و دومین به معنای مشقت شدید می‌باشد و این مطلب که قاعده لاضرر هم نافی صحت حکم ضرری و هم ناهی از آن و مثبت حرمت باشد و نمی‌توان با عبادت نهی شده به درگاه باری تعالی نزدیک شد، پس، فعل ضرری باطل و مبعود است. همچنین، ملاک فعل حرجی با ملاک موجود در فعل ضرری با هم متفاوت است و قیاس ضرر به حرج درست نیست (بهمن‌پوری و صابری، ۱۳۹۱، ص ۹).

همچنین، سیره معصومان (ع) در تمسک به فعل ضرری ثابت نیست؛ افزون بر آن که شاید فعل ایشان از احکام مشترک میان معصومان (ع) و غیرمعصومان نباشد. از سویی، قدر متیقن از حکم مرفوع با قاعده نفی حرج، حکم وجوب می باشد؛ نه جواز و مطلوبیت فعل حرجی.

۵-۳-۳. کاربردهای فقهی قاعده «أفضل الأعمال أحمزها»

قاعده «أفضل الأعمال أحمزها» در گستره عبادات کاربرد دارد و کاربستی از آن در دیگر ابواب فقهی دیده نشده است؛ به دیگر سخن، آن دسته از کارهای انسان که با دشواری به پایان می رسند، آن گاه ارزشمند خواهند بود که با انگیزه نزدیک شدن به ذات باری تعالی امتثال شوند (بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۴). از این رو، دیگر رفتارهای انسان از قبیل احکام و معاملات، چنانچه با انگیزه یادشده همراه نباشد، حتی اگر سختی بسیار هم داشته باشد، مشمول قاعده نشده و بر امتثال آن ها ثوابی بار نمی گردد. در مسائلی همچون اعمال عبادی زیر با استناد به قاعده یادشده، برای دشواری این عبادات استحباب و ثواب بیشتری اثبات شده است.

بیش ترین استناد به قاعده، در حج می باشد که برای اثبات استحباب حج پیاده (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۲۰؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۹؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۵)، وقوف ایستاده در عرفه (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۱ و ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۴۶)، رمی جمرات در حالت پیاده (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۴۶) و در دیگر ابواب برای اثبات استحباب روزه در برخی مکان ها به دلیل سختی (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۵۰)، تشییع پیاده پیکرهای مسلمانان (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۷۰)، نماز مستحبی در حالت ایستاده (بهبهانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۹۴؛ عاملی، محمد، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۴۱۵)، اعمال سخت عبادات برای بیماران؛ مانند سجود (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۱۵۶)، نذور دارای دشواری در انجام (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۷)، شب زنده داری (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۱۴؛ کاشانی، حبیب الله، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲) به آن استناد شده است.

نتیجه‌گیری

۱. علی‌رغم ایراد خدشه در سند حدیث نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمرها»، شهرت عملی دارد و این‌گونه ضعف آن جبران می‌شود. همچنین، برای اثبات استحباب عبادات دشوار و ترتب ثواب مقدمات واجبات نفسی به آن قابل استناد است.

۲. نظر به وجود نمونه‌های بسیاری از آیات قرآن مجید، دلالت حدیث یادشده، حکم عقل به ارزشمندی و نکویی امثال اعمال دشوار برخاسته از تلاش و عدم خلاف در مسئله، می‌توان «أفضل الأعمال أحمرها» را یک قاعده فقهی اتفاقی دانست.

۳. قاعده نفی حرج در جایگاه امتنان شارع مقدس بر بندگان و برداشتن حکم تکلیفی وجوب فعل حرجی و رخصت ترک آن می‌باشد؛ اما، به استناد حدیث یادشده، حکم وضعی صحت و بلکه مطلوبیت امثال فعل حرجی همچنان باقی است.

۴. عموم قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» اثبات استحباب بر افعال ضرری را در بر نمی‌گیرد و در واقع ادله قاعده نفی ضرر بر آن وارد هستند؛ چراکه عبادت ضرری منفی و منهی شارع می‌باشد، اثبات استحباب آن مشکل است.

۵. قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» در ابواب گوناگون عبادات کاربرد دارد و بیانگر مطلوبیت عبادتی است که می‌توانست به شیوه‌ای آسان‌تر امثال شود؛ اما، مکلف راه دشوارتر آن را برگزیده است و در فرض نرسیدن به اندازه ضرر، مطلوب است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن داود، حسن بن علی. (۱۳۸۳ ش). رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ابن درید، محمد بن حسن. (بی‌تا). جمهرة اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس. (بی‌تا). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.

٥. اردبيلى، احمد بن محمد. (١٤٠٣ق). مجمع الفائدة والبرهان فى شرح إرشاد الأذهان. قم: اسلامى.
٦. اشكورى، محمد بن على. (١٣٧٣ش). تفسير شريف لاهيجى. تهران: داد.
٧. انصارى، مرتضى بن محمد امين. (بى تا). قاعدة لا ضرر و اليد و الصحة و القرعة (فرائد الأصول). قم: اسلامى.
٨. ايجى، عضد الدين عبدالرحمان بن احمد. (بى تا). شرح المواقف. قم: الشريف الرضى.
٩. ايروانى، باقر. (١٤٢٦ق). دروس تمهيدية فى القواعد الفقهية. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
١٠. ايروانى، على. (١٤٢٢ق). الأصول فى علم الأصول. قم: دفتر تبليغات اسلامى.
١١. ايوان كفى، محمد حسين. (١٤٢٩ق). مشارع الأحكام فى تحقيق مسائل الحلال و الحرام. اصفهان: مركز تحقيقات رايانه اى حوزه علميه اصفهان.
١٢. آشتيانى، ميرزا محمد حسن بن جعفر. (١٤٢٥ق). الرسائل التسع. قم: زهير.
١٣. آلوسى، محمود بن عبدالله. (١٤١٥ق). روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى. بيروت: دار الكتب العلمية.
١٤. آملى، حيدر بن على. (١٤٢٢ق). تفسير المحيط الأعظم و البحر الخضم فى تأويل كتاب الله العزيز المحكم. قم: نور على نور.
١٥. بجنوردى، سيد حسن. (١٣٧٧ش). القواعد الفقهية. قم: نشر الهادى.
١٦. بجنوردى، سيد حسن. (١٣٨٠ش). منتهى الأصول. تهران: مؤسسه عروج.
١٧. بجنوردى، سيد محمد. (١٤٠١ق). قواعد فقهيه. تهران: مؤسسه عروج.
١٨. بحراني، يوسف بن احمد. (١٤٠٥ق). الحداثق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة. قم: اسلامى.
١٩. بحراني، يوسف بن احمد. (١٤٢٣ق). الدرر النجفية من الملتقطات اليوسفية. بيروت: دار المصطفى لإحياء التراث.
٢٠. بخارى، محمد بن إسماعيل. (١٤٢٢ق). صحيح البخارى. رياض: دار طوق النجاة.
٢١. بيقى، احمد بن محمد. (١٣٧١ق). المحاسن. قم: دار الكتب الإسلامية.
٢٢. بستى، محمد بن حبان. (١٤١٤ق). صحيح ابن حبان. بيروت: مؤسسة الرسالة.
٢٣. بهبهانى، محمد باقر بن محمد اكمل. (١٤١٩ق). الحاشية على مدارك الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
٢٤. بهبهانى، محمد باقر بن محمد اكمل. (١٤٢٤ق). مصابيح الظلام. قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني.
٢٥. بهمن پورى، عبدالله؛ صابرى، حسين. (١٣٩١ش). پژوهشى در صحت انجام فعل حرجى. فقه و مباني حقوق اسلامى، ٤٥ (٢)، ١-١٣.

۲۶. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). السنن الكبرى. بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم. قم: دار الكتاب الاسلامی.
۲۸. جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی. (۱۴۰۴ق). تفسیر شاهي. تهران: نوید.
۲۹. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية. بيروت: دار العلم للملايين.
۳۰. حائری مازندرانی، محمد. (۱۴۱۶ق). منتهی المقال فی احوال الرجال. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۱. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۲. حسینی روحانی، سید صادق. (بی تا). منهاج الصالحین. بی جا: بی نا.
۳۳. حسینی شیرازی، سید صادق. (۱۴۲۷ق). بیان الأصول. قم: دار الأنصار.
۳۴. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۱۳ق). الفقه، القواعد الفقهية. بيروت: مؤسسه امام رضا (ع).
۳۵. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۱ق). الوصائل الى الرسائل. قم: مؤسسه عاشورا.
۳۶. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۸ق). من فقه الزهراء علیها السلام. قم: رشید.
۳۷. حسینی میلانی، سید علی. (۱۴۲۸ق). تحقیق الأصول. قم: الحقائق.
۳۸. حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام. بيروت: دار الفكر المعاصر.
۳۹. خواجهی مازندرانی، اسماعیل. (۱۴۱۸ق). جامع الشتات (للخواجی). قم: اسلامی.
۴۰. خوانساری، موسی. (۱۳۷۳ق). رساله فی قاعدة لا ضرر. تهران: المكتبة المحمدية.
۴۱. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۴۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
۴۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بيروت: دار الشاميه.
۴۴. رضائزاد، غلامحسین. (۱۳۸۳ش). تمهید المبانی یا تفسیر کبیر بر سوره سبع المثانی. تهران: الزهرا.
۴۵. سبزواری، سید عبدالأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (للسبزواری). قم: مؤسسه المنار.
۴۶. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. (۱۲۴۷ق). ذخيرة المعاد فی شرح الإزشاد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۴۷. شریف کاشانی، ملا حبیب الله. (۱۴۰۴ق). مستقصی مدارک القواعد. قم: علمیه.
۴۸. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۰ق). الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمیه.
۴۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلاتر). قم: کتابفروشی داوری.
۵۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه

المعارف الإسلامية.

۵۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۰ق). المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفية. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (بی تا). مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة والاولاد. قم: بصیرتی.
۵۳. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۲۳ق). فقه الحج (للصافی). قم: مؤسسه حضرت معصومه سلام الله علیها.
۵۴. صبحی صالح. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. قم: هجرت.
۵۵. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول. قم: مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۵۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش). تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار.
۵۷. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: اسلامی.
۵۸. طباطبائی یزدی، سید محمدباقر. (بی تا). وسیلة الوسائل فی شرح الرسائل. قم: بی نا.
۵۹. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۶۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). رجال الطوسی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۱. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین. (۱۳۹۰ق). الحبل المتین فی أحكام الدین. قم: کتابفروشی بصیرتی.
۶۲. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین. (بی تا). مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات. بیروت: دار الأضواء.
۶۳. عاملی، حسین بن عبدالصمد. (بی تا). العقد الحسینی - الرسالة الوسواسیة. یزد: گلبهار.
۶۴. عاملی، سید محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).
۶۵. عبداللهی، عبدالکریم. (۱۳۸۸ش). قواعدی از فقه. قم: بوستان کتاب.
۶۶. علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۶۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: اسلامی.
۶۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: اسلامی.
۶۹. علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثة). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۷۰. فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۳۸۳ش). القواعد الفقهیة. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۷۱. فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۳۹۶ش). قاعده میسور. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

٧٢. فاضل لنکرانی، محمد. (١٤٢٥ق). ثلاث رسائل (للفاضل). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
٧٣. فاضل لنکرانی، محمد. (١٤٣٠ق). دراسات فی الأصول. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
٧٤. فاضل هندی، محمد بن حسن. (١٤١٦ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: اسلامی.
٧٥. فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
٧٦. فیض کاشانی، محمد محسن. (١٤٠٦ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
٧٧. قابل، هادی. (١٣٩٠ش). قاعده عدالت و نفی ظلم. قم: انتشارات فقه الثقلین.
٧٨. قرائتی، محسن. (١٣٨٨ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
٧٩. قرشی، سید علی اکبر. (١٤١٢ق). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامية.
٨٠. کاشانی، حبیب الله بن علی مدد. (١٣٨٣ش). بوارق القهر فی تفسیر سوره الدهر. تهران: شمس الضحی.
٨١. کاشانی، فتح الله بن شکر الله. (١٤٢٣ق). زبدة التفاسیر. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
٨٢. کاشانی، فتح الله بن شکر الله. (بی تا). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین. تهران: اسلامی.
٨٣. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (١٤٢٢ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحديثه). قم: اسلامی.
٨٤. کلینی، محمد بن یعقوب. (١٤٢٩ق). الکافی. قم: دار الحديث للطباعة والنشر.
٨٥. کهن ترابی، میثم. (١٤٠٣ش). اعتبارسنجی و نقد کارکردهای حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» در منابع فریقین. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ٣٤ (١)، ٢٥-٤٥.
٨٦. لیثی واسطی، علی بن محمد. (١٣٧٦ش). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحديث.
٨٧. مازندرانی، محمد صالح. (١٣٨٢ش). شرح الکافی. تهران: المكتبة الإسلامية.
٨٨. متقی هندی، علی بن حسام الدین. (١٩٨٩م). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
٨٩. مجلسی اول، محمد تقی. (١٤٠٦ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: کوشانبور.
٩٠. مجلسی اول، محمد تقی. (١٤١٤ق). لوامع صاحبقرانی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
٩١. مجلسی دوم، محمد باقر. (١٤٠٤ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الإسلامية.
٩٢. مجلسی دوم، محمد باقر. (١٤١٠ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.
٩٣. محمودی، محمد باقر. (١٤١٨ق). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

٩٤. مشكينى، ميرزا على. (بى تا). مصطلحات الفقه. بى جا: بى نا.
٩٥. مظفر، محمدرضا. (١٣٧٥ ش). أصول الفقه. قم: اسماعيليان.
٩٦. معرفت، محمد هادى؛ رستم نژاد، مهدي. (١٤٢٩ ق). التفسير الاثرى الجامع. مؤسسة انتشاراتى التمهيد. قم.
٩٧. مغنيه، محمد جواد. (١٤٢٤ ق). التفسير الكاشف. قم: دار الكتاب الإسلامى.
٩٨. مكارم شيرازى، ناصر. (١٣٧٥ ش). القواعد الفقهية. قم: مدرسة الإمام على بن ابى طالب.
٩٩. مكارم شيرازى، ناصر. (١٤٢٨ ق). انوار الأصول. قم: مدرسة الإمام على بن ابى طالب.
١٠٠. موسى، صمد على. (١٣٩٢ ش). القواعد الفقهية فى كتاب تفصيل الشريعة. قم: مركز فقهى ائمه اطهار (ع).
١٠١. موسى تهرانى، رسول. (١٣٨٨ ش). الوسائل الى غوامض الرسائل. قم: محلاتى.
١٠٢. ميرجليلى، على محمد؛ محمد آبادى، فاطمه. (١٣٩٦ ش). معيار حقيقى شناخت افضل اعمال از منظر روايات. دومين كنفرانس بين المللى مطالعات اجتماعى فرهنگى و پژوهش دينى. رشت.
١٠٣. نجفى، محمد حسن. (١٤٢١ ق). جواهر الكلام فى ثوبه الجديد. قم: مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامى.
١٠٤. نجفى، محمد حسن. (١٤٠٤ ق). جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
١٠٥. نقى زاده، حسن؛ كرمى، فاطمه. (١٣٩١ ش). روايات تفضيل در اصول الكافى، هم سازگار يا ناسازگار. فصلنامه علوم حديث، ١٧ (٦٤)، ٥٧-٨٩.
١٠٦. نهاوندى، محمد. (١٣٨٦ ش). نفحات الرحمن فى تفسير القرآن. قم: مؤسسة البعثة، مركز الطباعة والنشر.
١٠٧. واسطى، سيد محمد مرتضى حسيني. (١٤١٤ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
١٠٨. ورام، مسعود بن عيسى. (١٤١٠ ق). مجموعة ورام. قم: مكتبة فقيه.
١٠٩. هاشمى رفسنجانى، اكبر. (١٣٨٣ ش). فرهنگ قرآن. قم: بوستان كتاب.
١١٠. هلال، هيثم. (١٤٢٤ ق). معجم مصطلحات الأصول. بيروت: دار الجيل.
١١١. يزدى طباطبايى، سيد محمد كاظم. (١٤٠٩ ق). العروة الوثقى. بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.

